

علم و امپراطوری ها

○ مرل یاکوب*
مترجم: مهناز وفادار چنانی

Science and Empires

Patrick Petitjean, Catherin Jami and Anne-Marie Moulin (eds)

Science and Empires: Historical Studies about Scientific Development and European Expansion
Patrick Petitjean, Catherin Jami and Anne-Marie Moulin (eds)
Boston: Kluwer
۱۹۹۲, ۴۱۱+XiiiPP.

فهم این موضوع مستلزم آشنایی خواننده با الگوی باسالا است. به عنوان مثال عدم توجه به این نکته که دامنه‌ی اعتبار «علم استعماری» باسالا به نواحی غیراستعماری گسترش پیدا می‌کند سبب می‌شود تا اهمیت کامل موضوع انتشار علم غربی در امپراتوری عثمانی و چین درک نشود.

این مشکل ضرورت تعریف ادغام را ایجاد کرده است. ادغام عبارت است از: انتشار و یکسان‌سازی علوم غربی به منظور تأسیس یک سنت مستقل علمی که ویژگی آن به قرار زیر است:

گروهی از دانشمندان انتقادی که از جامعه‌ی میزبان انگیزه می‌گیرند، در آرزوی گرفتن جایزه از کشور میزبان‌اند و به خوبی در جایی قرار دارند که می‌توانند کارهای نوآورانه انجام دهند. اگرچه این در این معنا ادغام دغدغه‌ی اصلی است، اما یک مفهوم‌سازی بدیل وارد استدلال‌ات می‌شود: فرآیند جمعی انتشار، یکسان‌سازی و تلفیق علوم غربی با دیگر سنت‌ها، در حالی که هدف اصلی نخستین نوع ادغام، جایگزینی هر نوع سنت علمی موجود با معادل‌های غربی‌اش است، هدف دومین نوع ادغام تلفیق سنت‌های

علم و امپراتوری‌ها مجموعه‌ای دوزبانه از مقالاتی است که در یک سمینار دانشگاهی بین‌المللی از سوی گروه REHSEIS (تحقیق در مورد معرفت‌شناسی و تاریخ علوم دقیقه و نهادهای علمی) ارائه گردید. این کتاب شامل سه بخش زیر است:

مسائل ادغام علوم کلاسیک و مدرن، گسترش علمی اروپایی و استراتژی‌های سیاسی و یک میزگرد پایانی. به دلیل محدودیت جا این بحث اساساً روی تلقی از [فرآیند] ادغام متمرکز خواهد بود.

تازگی این کتاب به دلیل تحلیل نظری‌اش از انتشار علوم غربی و هدفش در توسعه‌ی یک «دیدگاه نوپیرامون علوم و امپراتوری است که کل نگر و نظامی‌اند و منجر می‌شوند به سیاست‌هایی جدید برای توسعه‌ی علمی (ص. X) این مقالات در مورد اول یعنی تحلیل نظری انتشار علوم غربی به توفیق می‌رسد و این کار را با مقایسه‌ی واقعیت علوم در دوره‌ی استعماری با پیش‌گویی‌های «علم استعماری» - بر اساس یکی از الگوهای موجود انتشار علم غربی (باسالا، ۱۹۶۷) - انجام می‌دهد.

ادغام عبارت است از انتشار و یکسان سازی علوم غربی به منظور تأسیس یک سنت مستقل علمی

هدف اصلی
نخستین نوع ادغام،
جایگزینی
هر نوع سنت علمی موجود
با معادل های غربی اشن است،
در حالی که
هدف دومین نوع ادغام
تلفیق سنت های بومی
و غربی علم
با یکدیگر است

بیان کرده اند که واقعیت علم استعماری اغلب اساساً متفاوت از پیش بینی باسالا است، اما پرسش نظری گسترده تری درباره ی فایده «علم استعماری» در فهم انتشار علوم غربی بدون پاسخ می ماند. به همین ترتیب آشکار است که بدون ساختار سرکوبگر دوره ی استعمارگری، علاقه به علوم غربی به جای توجه به سیستم اعتقادی جایگزینی (دانستن چرایی) به وجه فنی آن (دانستن چگونه) محدود شد. این امر نشان دهنده ی اعتماد به سنت های فلسفی بومی است که در الگوی اصلی و در این نقد نادیده گرفته شده است. در این جا تصویری که از ادغام ارائه شده است به اندازه الگوی باسالا قوم مدارانه است. این محدودیت ها به انضمام مسایل دیگر هدف برنامه ی تحقیقاتی REHSEIS را در ارائه ی یک دیدگاه تاریخی و نظامی در مورد علم و امپراتوری ها تضعیف می کند.

مباحث میزگرد نشان دهنده ی آگاهی از برخی مسائل فوق است و امید می رود که این مسائل حل شوند. مشکل دیگر در این خصوص این است که ممکن است از هدفش یعنی کمک به سیاست های توسعه ی علمی فاصله بگیرد، زیرا توانایی برقراری روابط ضروری با دیگر سنت های علمی را ندارد.

در باب ادغام باید یادآور شد که بسیاری از دانشمندان ژاپنی مقالات انگلیسی را می خوانند و از الگوها و داده های آنان وام می گیرند، اما آنان شیوه های ارزش گذاری خاص خود را دارند که هرگز قابل ادغام نیست (صفحات ۷۵-۷۴). ارتباط دادن این استدلال با دانش موجود در دیگر حوزه های سنت علمی که به ماهیت آثار و داده های علمی می پردازند منجر به طرح غنی تر مسئله ی ادغام می شود.

بومی و غربی علم با یکدیگر است. توصیف هسو (Hsu) از ادغام تکنیک های غربی و چینی در شیوه های درمانی نمونه ی الگویی از دومین نوع ادغام است. کسانی که با تاریخ علم و امپراتوری ها آشنایی دارند می دانند که داده های تاریخی وجود هر دو نوع ادغام را تأیید می کند. (رجوع شود به مقاله ی واسانتا در باب مجادله ی شرقی - غربی در هند، صفحات ۵۶-۴۹).

به هر حال آنچه که مفاهیم متفاوت ادغام را برای خواننده مسئله ساز می کند، این موارد است: (۱) هر دو مفهوم تعریف نشده اند و (۲) غالباً به نظر می رسد که نویسندگان مقالات نخستین نوع ادغام را به مثابه هنجاری برای انتشار به کار می برند. این وضعیت هنجاری در نتیجه گیری ها و عدم موفقیت در گسترش این انتقاد به مفروضات متنی الگوی باسالا آشکار است. به عنوان مثال اگرچه نویسندگان متعددی به طرز قانع کننده ای

منبع مقاله:

Basalla, G, ۱۹۶۱, The Spread of Western science, Science ۱۵۶: ۶۱۱-۲۲.
*Merle Jacob, University of Goteborg